



Evaluation of factors influencing on the political-administrative management of space in Kashan city

Afshin Karami^{1*}, Saeed Khatam²

1. Assistant Professor of Political Geography, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

2. Post-doctorate in Political Geography, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Received Date: 13 April 2025 Accepted Date: 21 July 2025

Abstract

Background and Objective: Today, we see that in developed countries and most of the developing countries of the world, urban and metropolitan areas, like other residential centers, have formal and defined geographic and management systems. These types of management institutions are responsible for formulating the integrated development policy of urban and metropolitan areas and creating coordination between the programs, policies and actions of management institutions that are influential in urban development. Therefore, the management of cities has special sensitivity and complexities. These types of complications exist in most management systems. In fact, it can be said that urban management is an effort to manage the complex and systemic phenomenon of the city.

Methodology: Based on this, the present research has been conducted with the aim of investigating the influencing factors on the political-administrative management of space in Kashan city and by using of the Fuzzy Dematel method. To achieve this purpose, four political-security, geographic-communication, social-cultural and legal factors and 23 indicators influencing the political management of space in Kashan city were extracted.

Findings and Results: The findings of the research show that the legal factor that has the highest amount of D+R has the most interaction with other dimensions, and the socio-cultural factor that has the highest amount of D-R has the greatest impact (influence) on other dimensions. Also, in the field of interaction and relationship between the government and urban management in Kashan city, the index of existing laws and the index of spirit of cooperation-atmosphere, which respectively have the highest amount of D+R and D-R, have the greatest influence on other indicators.

Keywords: Urban Management, Space, City, Politics Kashan.

* Corresponding Author Email: a.karami@scu.ac.



شاپا: ۰۷۶۴-۲۷۸۳

دوره ۶، شماره ۴، شماره پیاپی ۲۲، زمستان ۱۴۰۴

Journal Homepage <https://www.srds.ir/>
https://www.srds.ir/article_225614.html?lang=fa

ارزیابی عوامل اثرگذار بر مدیریت سیاسی - اداری فضا در شهر کاشان

افشین کریمی^{۱*}، سعید خاتم^۲

۱. استادیار جغرافیای سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.
۲. فوق‌دکتری جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۳۰

چکیده

زمینه و هدف: امروزه شاهد آن هستیم که در کشورهای توسعه‌یافته و اکثر کشورهای در حال توسعه جهان، مناطق شهری و کلانشهری مانند بقیه مراکز سکونتی از نظم‌های جغرافیایی و مدیریتی رسمی و تعریف‌شده برخوردار هستند. این نوع نهادهای مدیریتی، وظیفه تدوین سیاست توسعه یکپارچه منطقه شهری و کلانشهری و ایجاد هماهنگی بین برنامه‌ها، سیاست‌ها و اقدامات نهادهای مدیریتی تأثیرگذار در توسعه شهری را عهده‌دار می‌باشند. بنابراین مدیریت شهرها از حساسیت و پیچیدگی‌های ویژه‌ای برخوردار است. این نوع پیچیدگی‌ها در بیشتر نظام‌های مدیریتی وجود دارد. در واقع می‌توان گفت مدیریت شهری نوعی کوشش جهت اداره پدیده پیچیده و سیستمی شهر به‌شمار می‌رود. بر همین اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل اثرگذار بر مدیریت سیاسی - اداری فضا در شهر کاشان و با استفاده از روش دیمتال فازی انجام گرفته است.

روش‌شناسی: بر همین اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل اثرگذار بر مدیریت سیاسی - اداری فضا در شهر کاشان و با استفاده از روش دیمتال فازی انجام گرفته است. برای رسیدن به این مقصود، چهار عامل سیاسی - امنیتی، جغرافیایی - ارتباطی، اجتماعی - فرهنگی و قانونی و ۲۳ شاخص اثرگذار بر مدیریت سیاسی فضا در شهر کاشان استخراج گردید.

یافته‌ها و نتایج: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد عامل قانونی که بیشترین مقدار $D+R$ را دارا می‌باشد، بیشترین تعامل را با سایر ابعاد دارد و نیز عامل اجتماعی - فرهنگی که از بیشترین مقدار $D-R$ برخوردار می‌باشد، بیشترین تأثیر (نفوذ) را بر سایر ابعاد دارد. همچنین در زمینه تعامل و رابطه میان دولت و مدیریت شهری در شهر کاشان شاخص قوانین موجود و شاخص روحیه همکاری جویی که به‌ترتیب دارای بیشترین مقدار $D+R$ و $D-R$ هستند، بیشترین تأثیر (نفوذ) را بر سایر شاخص‌ها بر جای گذاشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: مدیریت شهری، فضا، شهر، سیاست، کاشان.

* نویسنده مسئول : a.karami@scu.ac.ir

ارجاع به این مقاله: کریمی، افشین و خاتم، سعید. (۱۴۰۴). ۱۲. ارزیابی عوامل اثرگذار بر مدیریت سیاسی - اداری فضا در شهر کاشان. فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای، ۶(۴)، ۱۶۹-۱۸۶.

مقدمه و بیان مسأله

شهر یکی از منابع مهم توسعه به‌شمار می‌رود و در روند توسعه شهر و بهبود سکونتگاه‌های شهری جایگاه مدیریت شهری از نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای برخوردار می‌باشد (Eyozlu & Varzavian, 2019: 176). امروزه شهرنشینی یکی از چالش‌های اساسی محسوب می‌شود که به‌ویژه در کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین از میزان بالایی برخوردار بوده و سالانه حدود ۶۰ میلیون نفر به جمعیت شهرنشین این مناطق افزوده می‌شود (Stephens & Satterthwaite, 2008: 300). در کنار مشکلاتی که در مناطق مختلف پیش روی گسترش شهرنشینی و رشد نابرابر شهرنشینی (Harvey, 1985: 78) قرار دارد، بعضی از اندیشمندان مثل گلاسر بر اهمیت رشد شهرها و نقش آنها در توسعه اقتصادی کشورها تأکید می‌کنند (Glaeser, 2011: 170). در چند دهه گذشته پیوندهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی داخل شهرها با دگرگونی‌های اساسی روبرو شده است. امروزه شاهدیم که کلان‌شهرها به‌شدت رشد پیدا کرده‌اند و مشکلات و مسائل آنها هم از لحاظ تعداد و هم از نظر شدت افزایش یافته‌اند (Wood, 2006: 337).

در نظام شهری می‌توان مدیریت سیاسی فضا را برآیند کیفیت و کمیت کشمکش و تعامل میان چهار عامل دولت، اقتصاد، نهادهای سیاسی و سازمان‌های مدنی پنداشت. از طرفی در ایران تمرکزگرایی قدرت امکانی برای تقسیم، محدودیت و پاسخگویی قدرت فراهم نساخته است. قدرت سیاسی با بهره‌گیری از ابزارهای قدرتمند اقتصادی و سیاسی خود در عرصه شهری نیز یک عنصر تعیین‌کننده مدیریت سیاسی - فضایی شهری و منطقه‌ای به‌شمار می‌رود که به هدایت و تنظیم اقدامات کنشگران بخش‌های مختلف خصوصی، عمومی و مردمی می‌پردازد. در حقیقت می‌توان گفت نهاد قدرت است که اصول و قواعد ملاک عمل ساختار حکمرانی در عرصه هدایت و کنترل سازمان فضایی را مشخص می‌سازد. هر کدام از عناصر دولتی، خصوصی و عمومی در جریان این تعامل در جستجوی بیشینه‌سازی بهره‌مندی خود از فضا می‌باشند که این نوع فرایند سهم‌خواهی می‌تواند به شکل‌گیری فضاهای ناپایدار و رشد نامتوازن مناطق شهری و کلانشهری منجر گردد. تجلی روشن این نوع فعالیت‌ها، انباشت نابرابر سرمایه در مجموعه شهری و دامن زدن بیشتر به عدم‌توازن‌های منطقه‌ای می‌باشد (Forster, 2013: 20). بنابراین در جغرافیای سیاسی و مدیریت سیاسی فضا، تعامل و رابطه بین نهادهای سیاسی و اجتماعی و سازمان فضایی - اداری موضوعی مهم و بنیادی محسوب می‌گردد. موضوعی که با افزایش پیچیدگی هر دو طرف این رابطه، ابعاد کمی و کیفی بیشتر و ژرف‌تری پیدا می‌کند. در چارچوب این رابطه، می‌توان گفت مناطق شهری شاخص‌ترین مثال پیچیدگی توأمان اجتماعی و فضایی به‌شمار می‌روند زیرا در شهرها و کلانشهرها که به عنوان گره‌گاه‌های فضایی - کالبدی عمل می‌کنند، بالاترین میزان و سطح روابط و نیروهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع از مقیاس محلی تا جهانی را می‌توان مشاهده کرد. بر همین اساس در سال‌های اخیر در نظریه‌پردازی‌ها و پژوهش‌های برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، نوع رابطه میان ساختار حکمرانی به‌عنوان عنصری از سازمان اجتماعی، با فرایند مدیریت سیاسی - فضایی مجموعه شهری و مناطق کلانشهری به‌ویژه به یکی از مسائل و پرسش‌های اساسی تبدیل شده است (Gong et al, 2018).

امروزه شاهد آن هستیم که در کشورهای توسعه‌یافته و اکثر کشورهای در حال توسعه جهان، مناطق شهری و کلانشهری مانند بقیه مراکز سکونتی از نظم‌های جغرافیایی و مدیریتی رسمی و تعریف‌شده برخوردار می‌باشند. این نوع نهادهای مدیریتی، وظیفه تدوین سیاست توسعه یکپارچه منطقه شهری و کلانشهری و ایجاد هماهنگی بین برنامه‌ها، سیاست‌ها و اقدامات نهادهای مدیریتی تأثیرگذار در توسعه شهری را عهده‌دار می‌باشند (لاله‌پور و سرور، ۱۳۹۳: ۱۰۳). همان‌طور که اشاره شد مدیریت شهرها از حساسیت و پیچیدگی‌های ویژه‌ای برخوردار است. این نوع پیچیدگی‌ها در بیشتر نظام‌های مدیریتی وجود دارد. در واقع می‌توان گفت مدیریت شهری نوعی کوشش جهت اداره پدیده پیچیده و سیستمی شهر به‌شمار می‌رود (شیخی و شبستر، ۱۳۹۷: ۲). با توجه به آنچه بیان شد، این مطالعه به‌دنبال بررسی عوامل اثرگذار بر مدیریت سیاسی فضا در شهر کاشان می‌باشد. برای رسیدن به این هدف از چهار شاخص سیاسی - امنیتی، جغرافیایی - ارتباطی، اجتماعی - فرهنگی و شاخص قانونی استفاده شده است.

امروزه مدیریت سیاسی - اداری فضاهای شهری به‌عنوان یکی از چالش‌های اساسی در برنامه‌ریزی و توسعه پایدار شهرها مطرح شده است (Zhang et al., 2023). در این راستا، شهر کاشان به‌عنوان یکی از شهرهای تاریخی و فرهنگی ایران، با مسائل پیچیده‌ای در زمینه مدیریت فضای سیاسی - اداری مواجه است که نیازمند بررسی عمیق و همه‌جانبه می‌باشد. مطالعات نشان می‌دهد که مدیریت

شهری موفق، مستلزم توجه هم‌زمان به ابعاد مختلفی از جمله عوامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و جغرافیایی است (Liu et al., 2021). در واقع، مدیریت سیاسی فضا در شهرها تنها محدود به جنبه‌های کالبدی و فیزیکی نبوده، بلکه شامل ابعاد پیچیده‌ای از روابط انسانی، ساختارهای قدرت و فرایندهای تصمیم‌گیری نیز می‌شود (Albrechts, 2020). پژوهش‌های متعددی بر این موضوع تأکید دارند که فهم دقیق عوامل تأثیرگذار بر مدیریت فضای شهری، می‌تواند به ارتقای کیفیت حکمرانی محلی و بهبود سیاست‌های توسعه شهری منجر شود (Van Assche et al., 2021). در این میان، شهر کاشان به دلیل دارا بودن ویژگی‌های منحصر به فرد تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی، نیازمند الگوی مدیریتی خاصی است که بتواند هم‌زمان با حفظ هویت تاریخی شهر، پاسخگوی نیازهای توسعه‌ای آن نیز باشد (ابراهیمی و همکاران، ۱۴۰۳:۴۹). برخی محققان معتقدند که رویکردهای سنتی مدیریت شهری در ایران، به دلیل عدم توجه کافی به عوامل سیاسی - امنیتی و اجتماعی - فرهنگی، نتوانسته‌اند به صورت مؤثری در حل مسائل شهری عمل کنند (رفعیان و مجتهدی، ۱۴۰۱). از این رو، این پژوهش با تمرکز بر چهار شاخص اصلی سیاسی - امنیتی، جغرافیایی - ارتباطی، اجتماعی - فرهنگی و قانونی، به دنبال تحلیل جامعی از عوامل تأثیرگذار بر مدیریت سیاسی - اداری فضا در شهر کاشان است. یافته‌های این مطالعه می‌تواند به درک بهتر چالش‌های مدیریت شهری در کاشان و ارائه راهکارهای عملی برای بهبود آن کمک کند.

مبانی نظری

در مناطق مختلف جهان فرایند شهرنشینی و رشد شهری حاصل تعامل پیچیده و فزاینده میان عوامل و فاکتورهای گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فنی، فرهنگی و جغرافیایی، جهانی و محلی می‌باشد. بر همین اساس، شهرها از پدیده‌های فضایی - جغرافیایی به‌شمار می‌روند که اهمیت و جایگاه برجسته‌ای دارند (جان‌پرور و قربانی‌سپهر، ۱۴۰۰: ۱۹۶). شهرها از فضاهای مختلفی تشکیل می‌شوند که هر کدام از آنها برای حمایت و تسهیل برخی از فعالیت‌های فردی و اجتماعی و ایجاد معانی که شهروندان به آنها نیاز دارند شکل می‌گیرند (بهادری و همکاران، ۱۴۰۵: ۹۲). رشد بی‌رویه شهر در قلمروهای پیرامونی نیز از جمله مهم‌ترین چالش‌های پیش روی مدیران شهری به‌شمار می‌رود. از آنجا که امروزه رشد شهری در سراسر جهان، هم از نظر جمعیت و هم از لحاظ گسترش فضایی، موجب تغییرات گسترده‌ای شده است، در نتیجه این پدیده به همراه پدیده شهرنشینی به کانون تمرکز مدیران شهری تبدیل شده است (کوزه‌گر و استعلاجی، ۱۴۰۰: ۲۰۶). این روند رو به افزایش جابجایی مردم به سوی نواحی شهری و فرایند شهری‌سازی مرتبط با آن سبب شده است که رویارویی با چالش‌های مرتبط با توانایی‌های زیرساخت شهری، در تأمین نیازهای شهروندان به لحاظ منابع آب، حمل و نقل، مراقبت‌های بهداشتی و امنیت تبدیل به نیاز فوری شود (یزدانی و معصومی، ۱۴۰۵: ۱۲۴). بنا به اهمیتی که مدیریت سیاسی فضا در توسعه کشورها و شهرها و نیز اداره مطلوب آنها دارد، دولت‌ها برای مدیریت فضای سرزمینی خود به شکل مناسب و سواس فراوانی به خرج می‌دهند. بسته به نوع حکومت و نظام سیاسی هر کشور، میزان اختیارات و قدرت تصمیم‌گیری و کارکرد سیاسی واحدهای مختلف درون‌کشوری با هم تفاوت خواهد داشت. در نظام‌های سیاسی متمرکز و یکپارچه اختیارات و قدرت این فضاها از محدودیت برخوردار بوده و می‌توان گفت تا حدود زیادی تابع حکومت مرکزی می‌باشد. در این نوع نظام‌ها مدیریت به صورت سلسله‌مراتبی به اجرا در می‌آید (افضلی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲).

در طول تاریخ بعضی از اندیشمندان همواره در پی نظام‌مندسازی و ارائه الگویی برای مدیریت سیاسی جوامع بشری بوده‌اند. کارهای فیلسوفانی مانند افلاطون، ارسطو، مور، کامپانلا، هگل، مارکس^۱، فارابی و خواجه‌نصیرالدین طوسی را می‌توان از جمله این نوع اندیشه‌ها به‌شمار آورد (Barkhordari, 2020: 57). در حال حاضر، شهرها محل‌های مهمی جهت طی فرایند رشد اقتصادی، توسعه پایدار، نوآوری‌های فنی و یکپارچگی اجتماعی محسوب می‌گردند. از آنجایی که بازیگران شهری به طور فزاینده‌ای درگیر دگرگونی و تغییر در نقش و پتانسیل خود هستند، بر همین اساس امواجی از آزمون و تجربه در شهرها به راه افتاده که شهرها را به آزمایشگاه حکمرانی یا آزمایش‌های شهری در زمینه حکمروایی و حکومت تبدیل نموده است (Raven et al, 2019: 1).

^۱ . Plato, Aristotle, Moore, Campanella, Hegel, Marx

در اثر این دگرگونی‌ها، به تدریج چه در سطح محلی و چه در سطح ملی، ساختارهای جدیدی برای مدیریت فضا پدید آمده است. طیف متنوعی از دولت‌ها بر همین پایه و به منظور مدیریت سیاسی فضا تشکیل شدند که شامل نظام‌های فدرال با اختیارات گسترده محلی تا کشورهای بسیط و متمرکز می‌شود. هر ساختار سیاسی که در قالب یک کشور عملیاتی می‌گردد جهت دستیابی به اهداف خود نیازمند سازوکارهایی است که افزون بر تناسب داشتن با ساختار فضایی می‌بایست با توجه به تحولات زمانی از پویایی کافی نیز برخوردار باشند، بر همین اساس است که هر حکومت از مجموعه‌ای از فرایندهای اجرایی، سیاسی و نظامی تشکیل می‌شود (Skocpol, 2014:30) که برای هر کدام از این عناصر کارکردهای ویژه‌ای در نظر گرفته می‌شود (Short, 2013:115). تقسیم فضا ماهیتاً به گونه‌ای است که جهت ناحیه‌بندی سیاسی - اداری نمی‌توان صرفاً از یک نظام سامان‌مند بر پایه شاخص‌های منطقی و مشخص استفاده نمود. زیرا ذات ناحیه‌بندی سیاسی بر اساس تعیین سطوح اداری - سیاسی استوار می‌باشد که در خلال آن گروه‌های انسانی تلاش می‌کنند تا حداکثر منافع را برای خود و گروه مورد نظرشان فراهم سازند (احمدی پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۹۵).

در سال ۱۹۷۴ کاکس همراه با دیوید آر. رینولدز و استیون روکان کتابی با نام رویکردهای موقعیتی به قدرت و مناقشه را منتشر کرده‌اند که در آن بر نظام‌های سیاسی و مناقشات موقعیتی متمرکز شده‌اند. آنها بر این باور هستند که تحلیل‌گران حوزه مناقشات، توجه چندانی به روابط فضایی - فاصله طبیعی، مجاورت، توزیع و سؤالات نظری و تجربی مربوط به مقیاس جغرافیایی نشان نداده‌اند (Soja, 1974:58). از دیدگاه آنها در گذشته اگر پژوهشگران امور شهری می‌توانستند سیاست را در رویکردی «بدون توجه به فضا» بررسی کنند، امروزه این امر دیگر امکان‌پذیر نمی‌باشد. ایجاد تمرکز بر مناطق شهری و الگوهای فضایی ناشی از عوامل خارجی، رویکرد جدید را از رویکرد پیشین متمایز ساخته و باعث تمرکز بر عامل فضا می‌گردد. اما این منطق، خاص مقیاس شهری یا تأثیرات این نوع عوامل خارجی نیست. از چنین رویکردی می‌توان در تفسیر روابط بین‌المللی و ملی نیز استفاده کرد (Agnew and Nuscara, 2012:127).

مدیریت فضایی تلاش می‌کند تا نظم را به‌عنوان مفهومی اساسی و بنیادی وارد سیستم‌های شهری کند (میثاقی و روحانی قادی‌کلایی، ۱۳۹۳: ۹۴). شهر و فضاهای شهری حاصل کنش دوسویه انسان و محیط در قالب مکان و زمان است. در روند شکل‌گیری فضای شهری عوامل مختلفی مانند عوامل اقتصادی، مذهبی، سیاسی، زیست‌محیطی و غیره اثرگذار هستند (محمدی، ۱۳۷۹: ۹۴). بر همین اساس، برنامه‌ریزی شهری برای هر شهر نیازمند برداشت و فهم صحیح از فضاهای شهری می‌باشد (حسین‌زاده دلیر، ۱۳۸۰: ۱۱۴). مدیریت امور شهرها معمولاً از طریق نهادهایی انجام می‌شود که در فضای جغرافیایی دارای قدرت و اختیار می‌باشند. در فضاهای جغرافیایی قدرت و اختیار یا به شیوه سلطه قهری و جبری صورت می‌پذیرد و یا از راه واگذاری قدرت و اختیار از سوی ملت به حکومت که در حال حاضر در ساختار سیاسی اغلب کشورهای جهان الگوی واگذاری قدرت پدیده رایج به‌شمار می‌آید (خاتم و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۴). در نتیجه، مدیریت سیاسی فضا در برگزیده مقیاس‌های محلی، ملی، بین‌المللی و جهانی است و فرایندی می‌باشد که به موجب آن قسمتی از سطح سرزمین که توسط مرز محدود شده است، جهت ایفای نقش‌های سیاسی سازمان‌دهی می‌گردد (احمدی پور و میرزایی‌تبار، ۱۳۸۹: ۴۸). امکان تحقق اهداف مدیریت سیاسی - فضایی شهری نیازمند برنامه‌ریزی است تا سازماندهی فضا محقق گشته و هماهنگی لازم میان بخش‌های مختلف صورت پذیرد. همزمان با رشد شتابان شهرنشینی طی چند دهه اخیر، شهرها با مسائل و مشکلات فزاینده‌ای روبرو شده‌اند و دولت‌ها نیز که از عهده پاسخگویی به تقاضاهای روزافزون شهروندان بر نمی‌آمدند مسیرهای مختلفی را جهت آزمون مدیریت سیاسی فضا در شهرها به اجرا درآوردند (کاوندی کاتب و حافظ نیا، ۱۴۰۰: ۱۲۸).

پیشینه پژوهش

در مورد شهر کاشان پژوهش‌های مستقل و مختلفی تاکنون صورت گرفته است که هر یک از زاویه‌ای این شهر را مورد مطالعه و بررسی قرار داده‌اند. از جمله مهم‌ترین تحقیقاتی که تا حدودی به موضوع مورد مطالعه این پژوهش در ارتباط هستند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

پوراحمد و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «تحلیل الگوی توسعه کالبدی - فضایی شهری از منظر توسعه پایدار»، به این نتیجه رسیده‌اند که الگوی فیزیکی شهر کاشان با مدل‌های سنجش فرم شهری نشان می‌دهد ضمن توزیع نابرابر و نامتعادل جمعیت در سطح شهر و عدم هماهنگی آن با توسعه فیزیکی طی دهه‌های اخیر، الگوی رشد کالبدی - فضایی شهر کاشان از الگوی پراکنده شهری تبعیت کرده است که پیامدهای منفی رشد پراکنده را به همراه داشته است.

حیدری سورشجانی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «پهنه‌بندی فضایی امنیت با تأکید بر کاربری اراضی شهری»، به شناسایی پهنه‌های امن و نامن فضای شهر کاشان پرداخته است. وی این هدف را با انتخاب ده شاخص از میان کاربری‌های زمین شهری به انجام رسانده است.

عزت‌پناه (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی توزیع فضایی خدمات عمومی شهری از منظر عدالت اجتماعی»، به این نتیجه رسیده است که بین نواحی شهر کاشان از لحاظ برخورداری از خدمات عمومی شهری تفاوت وجود دارد. ولی با وجود تفاوت و نابرابری، میزان نابرابری در دسترسی به سرانه‌های کاربری‌های عمومی شهر در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۷۵ متعادل‌تر شده است. وفایی و حیدری سورشجانی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین پایداری نظام فضایی شهری با تدوین، تعیین و اولویت‌بندی استراتژی‌های توسعه شهری»، به این نتیجه رسیده‌اند که نوع راهبرد مورد استفاده جهت پایداری نظام فضایی شهر کاشان از نوع راهبرد تدافعی است. نتایج آنها همچنین نشان می‌دهد تدوین سند توسعه اقتصادی شهر متناسب با قابلیت‌ها و مزیت‌های نسبی و رقابتی به‌ویژه در حوزه صنعت، گردشگری و محصولات کشاورزی به‌عنوان استراتژی برتر می‌بایست در اولویت برنامه‌های توسعه شهر توسط مسئولین و مدیران شهری قرار گیرد.

خاتم و احمدی‌پور (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «متغیرهای اثرگذار مدیریت سیاسی فضا در کلانشهر تهران»، به این نتیجه رسیده‌اند که بین متغیرهای سیاسی - امنیتی، جغرافیایی - ارتباطی، اجتماعی - فرهنگی و قانونی با مدیریت سیاسی فضا در کلانشهر تهران ارتباط معنادار وجود دارد و همچنین متغیر سیاسی - امنیتی دارای بیشترین اهمیت و بعد از آن متغیر جغرافیایی - ارتباطی، شاخص اجتماعی - فرهنگی و شاخص قانونی در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

کاوندی‌کاتب و حافظ‌نیا (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی عوامل مؤثر با سازمان و مدیریت سیاسی فضا در کشورهای جهان، به تبیین استراتژی ملی کشورها در سازمان‌دهی و مدیریت سیاسی فضای آنها پرداخته‌اند. آنها به این نتیجه رسیده‌اند که استراتژی کشورها در سازمان‌دهی و مدیریت سیاسی فضا از سه الگوی افزایش، کاهش و ثابت در تعداد استان‌ها پیروی می‌کند. پنج عامل جمعیت، وسعت، تولید ناخالص داخلی، شاخص توسعه انسانی و امنیت در کنار مسائل جهانی، تأثیرات متفاوتی در تغییرات استانی ۱۹۱ کشور جهان داشته‌اند.

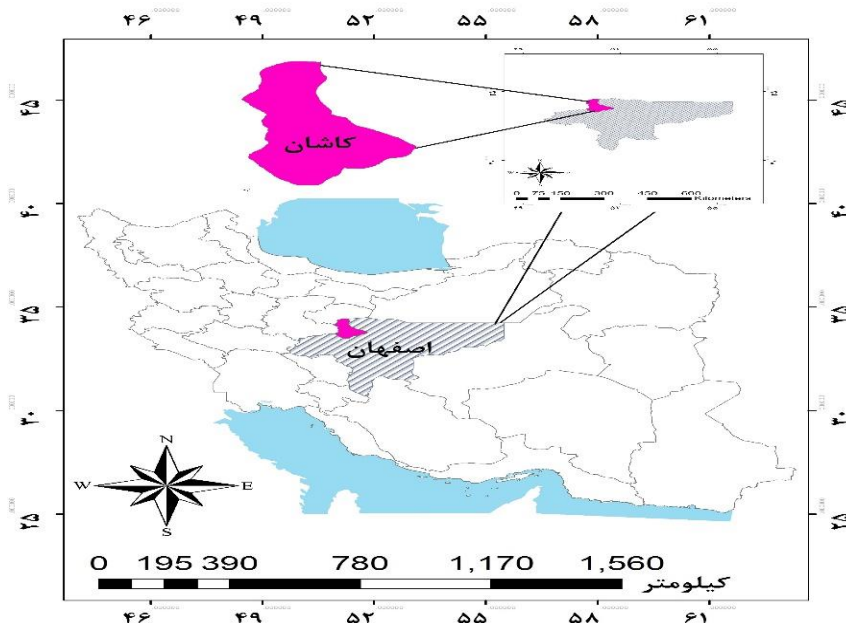
قادری حاجت (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «تبیین نقش عدالت فضایی/جغرافیایی در ارزیابی مدیریت سیاسی بهینه فضا»، به دنبال تبیین نقش عدالت فضایی به‌عنوان شاخصی اثرگذار و پویا در راستای ارزیابی عملکرد سیستم حکمرانی به‌عنوان موتور محرکه اصلی اداره امور کشور بوده است.

قائدرحمتی و مرشدی (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان «تحلیل مدیریت سیاسی فضا در شهرهای جدید ایران و ارائه برنامه‌های راهبردی»، به این نتیجه رسیده‌اند که در گویه عدالت محوری اهمیت آن در الگوی مدیریت سیاسی در شهرهای جدید شامل ۳۷/۵ درصد دارای نقش برجسته‌ای در الگوی مدیریت سیاسی فضا در شهرهای جدید است.

از بررسی ادبیات پژوهش می‌توان متوجه شد که تاکنون پژوهش مستقلی در ارتباط با مدیریت سیاسی فضا در شهر کاشان انجام نشده است. لذا در این پژوهش تلاش می‌شود عوامل مؤثر بر مدیریت سیاسی فضا در شهر کاشان مورد مطالعه قرار بگیرد و نتایج تحقیق با سایر مطالعات مرتبط با مدیریت سیاسی فضا مقایسه شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرد.

موقعیت محدوده مورد مطالعه

شهر کاشان در طول شرقی ۵۱ درجه و ۲۷ دقیقه و عرض شمالی ۳۳ درجه و ۵۹ دقیقه از نصف‌النهار گرینویچ قرار دارد. شهر کاشان در ۲۳۵ کیلومتری جنوب تهران و ۲۵۰ کیلومتری شمال شهر اصفهان واقع شده است. این شهر از طرف شمال و شرق به شهرستان آران و بیدگل در کویر مرکزی ایران، از جنوب به شهر نطنز و قمصر و ارتفاعات مشرف به آن و از غرب به شهر نیاسر و مشهد اردهال و ارتفاعات مشرف به آن محدود است. شهر کاشان در سال ۱۳۹۵ دارای ۳۰۴,۴۸۷ نفر جمعیت بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).



شکل شماره ۱: موقعیت جغرافیایی شهر کاشان

مجموعه مدیریت شهری کاشان از پنج منطقه شهری تشکیل شده است. همچنین ۷ سازمان وابسته شامل آتش‌نشانی و خدمات ایمنی، سیما، منظر و فضای سبز شهری، فرهنگی، اجتماعی و ورزشی، حمل‌ونقل بار و مسافر، عمران و بازآفرینی فضاهای شهری، آرامستان‌ها، ساماندهی مشاغل شهری و فرآورده‌های کشاورزی و ۴ مجموعه شامل شرکت بازیافت، فرودگاه کاشان، هتل گلستان قمصر و دفتر بازآفرینی شهری نیز از زیرمجموعه‌های مرتبط با شهرداری کاشان به‌شمار می‌روند (پرتال شهرداری کاشان، ۱۴۰۳).

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و از منظر شیوه گردآوری داده‌ها، توصیفی محسوب می‌شود. جامعه آماری این پژوهش را ۲۰ نفر خبرگان و استادان دانشگاهی، مدیریتی، سیاسی و غیره که در زمینه مدیریت سیاسی فضا صاحب تخصص و تجربه بودند تشکیل می‌دهد که در نهایت از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی و روش نمونه‌گیری گلوله برفی برای انتخاب جامعه آماری نهایی استفاده گردید. معیارهایی که برای انتخاب خبرگان مورد استفاده قرار گرفته است شامل تجربه عملی، تسلط نظری، گرایش و توانایی مشارکت در پژوهش و میزان دسترسی‌پذیری است. پس از مرور ادبیات پژوهش و استخراج عوامل، پرسشنامه‌ای بسته بر اساس عوامل شناسایی شده، در اختیار خبرگان قرار گرفت و از آنان درخواست شد تا با در نظر گرفتن افق زمانی، دیدگاه‌شان را درباره میزان تأثیر عامل درج‌شده در هر سطر بر عامل درج‌شده در هر ستون، بر پایه طیف پنج‌گزینه‌ای از بی‌تأثیر تا تأثیر بسیار زیاد بیان کنند. پس از تکمیل

پرسشنامه مربوط به روایی محتوا CVR به دست آمده برای همه عامل‌ها، برابر با یک به دست آمد. یعنی همه خبرگان عامل‌های تعیین شده را از حیث بررسی عوامل اثرگذار بر مدیریت سیاسی فضا در شهر کاشان ضروری دانستند. برای سنجش پایایی پرسشنامه دیمتل از روش آزمون مجدد استفاده شده است. جهت نیل به این هدف، پرسشنامه مزبور برای پنج نفر از خبرگان که دسترسی مجدد به آنها امکان‌پذیر بوده، دو بار و به فاصله سه هفته از هم ارسال شده و همبستگی بین پاسخ‌ها در مرحله اول و دوم برابر با ۰/۹۱۹، ۰/۸۷۰ و ۰/۷۹۹ به دست آمده است. با توجه به این که همبستگی پاسخ‌ها بالاتر از ۰/۷ می‌باشد، لذا می‌توان گفت که پایایی پرسشنامه قابل قبول است.

یافته‌ها

جدول شماره (۱) عوامل استخراج شده از مبانی نظری و پیشینه تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول ۱: مولفه‌ها و شاخص‌های اثرگذار بر مدیریت سیاسی فضا در شهر کاشان

کد	شاخص‌ها (گروه‌ها)	مولفه‌ها
PS ₁	سازمان‌دهی سیاسی فضا در شهر کاشان تا چه به ملاحظات امنیتی - سیاسی وابسته است؟	شاخص سیاسی - امنیتی (PS)
PS ₂	ملاحظات سیاسی مقامات تا چه حد در امر سازمان‌دهی سیاسی فضا در شهر کاشان تأثیرگذار است؟	
PS ₃	آیا ملاحظات سیاسی - امنیتی در انتخاب شهردار کاشان تأثیرگذار است؟	
PS ₄	آیا رقابت جناح‌های سیاسی در انتخاب مجموعه مدیریت شهری اثرگذار است؟	
PS ₅	آیا ملاحظات سیاسی - امنیتی می‌تواند باعث ناکارآمدی سازمان‌دهی سیاسی فضا در شهر کاشان شود؟	
PS ₆	آیا وجود نهادهای سیاسی می‌تواند باعث بروز مشکلات در ارتباط با سازمان‌دهی سیاسی فضا شود؟	
PS ₇	آیا مدیران شهری کاشان در زمینه تصمیمات سیاسی برای شهر کاشان از استقلال کافی برخوردار هستند؟	
PS ₈	آیا نهادهای سیاسی - امنیتی در سازمان‌دهی سیاسی فضا همکاری لازم را برای مجموعه مدیریت شهری دارند؟	
GC ₁	آیا در سازمان‌دهی سیاسی فضا در شهر کاشان به اصول جغرافیایی توجه می‌شود؟	شاخص جغرافیایی - ارتباطی (GC)
GC ₂	سازمان‌دهی سیاسی فضا در شهر کاشان تا چه میزان از شاخص‌های مکانی و فضایی تبعیت می‌کند؟	
GC ₃	به نظر شما شاخص جغرافیایی - ارتباطی تا چه میزان می‌تواند بر سازمان‌دهی سیاسی فضا در شهر کاشان تأثیرگذار باشد؟	
GC ₄	ارتباطات منطقه‌ای، فضایی و مکانی تا چه حد بر سازمان‌دهی سیاسی فضا در شهر کاشان اثرگذار بوده است؟	
SC ₁	به نظر شما موضوعات اجتماعی - فرهنگی تا چه حد در سازمان‌دهی سیاسی فضا در شهر کاشان اثرگذار است؟	شاخص اجتماعی - فرهنگی (SC)
SC ₂	به نظر شما آیا خصیصه‌های فردی و عادت به نظام به متمرکز در سازمان‌دهی سیاسی فضا در شهر کاشان اثرگذار است؟	
SC ₃	روحیه همکاری جویی مدیران شهری و مدیران دولتی تا چه میزان در سازمان‌دهی سیاسی فضا در شهر کاشان اثرگذار است؟	
SC ₄	مشارکت مدنی شهروندان تا چه حد بر نحوه سازمان‌دهی سیاسی فضا در شهر کاشان می‌تواند اثرگذار باشد؟	
SC ₅	آیا وجود یا عدم وجود نهادهای غیردولتی در شهر کاشان بر نحوه سازمان‌دهی سیاسی فضا در این کلان‌شهر اثرگذار است؟	
SC ₆	تأثیر سازمان‌ها، نهادها و متولیان فرهنگی - اجتماعی در سازمان‌دهی سیاسی فضای شهر کاشان را تا چه حد ارزیابی می‌کنید؟	
LI ₁	وجود نظام سیاسی متمرکز در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تا چه حد بر نحوه سازمان‌دهی سیاسی فضا در شهر کاشان اثرگذار است؟	شاخص قانونی (LI)
LI ₂	قوانین موجود در ارتباط با تقسیمات کشوری تا چه حد بر سازمان‌دهی سیاسی فضا در شهر کاشان اثرگذار است؟	
LI ₃	آیا قوانین موجود بر نحوه رابطه دولت و مدیریت شهری در شهر کاشان اثرگذار است؟	
LI ₄	به نظر شما آیا قوانین موجود باعث ناکارآمدی سازمان‌دهی سیاسی فضا در شهر کاشان شده است؟	
LI ₅	آیا مناسبات قانونی شهرداری و دولت در وضعیت فعلی می‌تواند به بهبود عملکرد سازمان‌دهی سیاسی فضا کمک کند؟	

روش دیمتل فازی از مجموعه‌ای از گام‌ها تشکیل می‌شود که به شرح زیر می‌باشد:

گام نخست، شکل‌دهی معیارهای زبانی فازی

در این مرحله می‌بایست معیارهایی برای تصمیم‌گیری تعیین شود. برای رسیدگی به موضوع عدم اطمینان می‌بایست معیارهای موردنظر را با توجه به معیارهای زبانی در اختیار تصمیم‌گیرنده قرار داد تا بر اساس این معیارها، امکان مقایسه فراهم شود.

جدول ۲: متغیرهای زبانی که برای اعلام نظر کارشناسان مدنظر قرار گرفته است

عبارت‌های کلامی	بی تأثیر	تأثیر خیلی کم	تأثیر اندک	تأثیر نسبتاً زیاد	تأثیر زیاد	تأثیر بسیار زیاد
مقادیر فازی	(۰،۰،۰)	(۱،۱،۱)	(۴،۳،۲)	(۶،۵،۴)	(۸،۷،۶)	(۹،۹،۸)

مرحله دوم، رسیدن به نظرسنجی بر اساس مطالب پاسخ‌دهندگان

در گام دوم از هر کدام از پاسخ‌دهندگان درخواست می‌شود تا براساس جدول (۲) مقدار تأثیرگذاری هر کدام از معیارها در مقایسه با سایر معیارها را مشخص کنند. نشانه‌ها $(l_{ij}, m_{ij}, u_{ij}) = \tilde{o}_{ij}$ بیانگر دیدگاه هر کدام از پاسخ‌دهندگان درباره تأثیر عامل i بر عامل j می‌باشد. در ماتریس‌ها برای هر $i=j$ عدد صفر قرار داده می‌شود. یک ماتریس $n \times n$ که باید درایه‌های فازی باشد برای هر پاسخ‌دهنده به صورت $\tilde{o}^p = [\tilde{o}_{ij}^p]$ تعریف می‌گردد، در این قسمت p برابر با پاسخ‌دهندگان و n معادل عامل‌های مورد مطالعه می‌باشد. بر همین اساس، $\tilde{o}^1, \tilde{o}^2, \tilde{o}^3, \dots, \tilde{o}^p$ ماتریس‌هایی از p تعداد پاسخ‌دهنده خواهیم به دست خواهد آمد.

گام سوم، ساخت ماتریس تصمیم‌گیری اولیه (\tilde{o})

گام سوم، ساخت ماتریس تصمیم‌گیری اولیه (\tilde{o})، در حقیقت از میانگین ساده نظرات همه افراد استخراج می‌شود که در آن $(l_{ij}, m_{ij}, u_{ij}) = \tilde{o}_{ij}$ ابعاد فازی مثلثی هستند.

$$\tilde{o}_{ij} = \frac{1}{p} \times \sum_{p=1}^p \tilde{a}_{ij}^p \quad (1)$$

$$\tilde{o} = \begin{bmatrix} \tilde{o}_{11} & \tilde{o}_{12} & \tilde{o}_{13} & \dots & \tilde{o}_{1n} \\ \tilde{o}_{21} & \tilde{o}_{22} & \tilde{o}_{23} & \dots & \tilde{o}_{2n} \\ \tilde{o}_{31} & \tilde{o}_{32} & \tilde{o}_{33} & \dots & \tilde{o}_{3n} \\ \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots \\ \tilde{o}_{m1} & \tilde{o}_{m2} & \tilde{o}_{m3} & \dots & \tilde{o}_{mn} \end{bmatrix} \quad (2)$$

گام چهارم، اقدام به محاسبه ماتریس نرمالیز (بهنجار) شده (\tilde{z}) محاسبه می‌شود (ماتریس ۴-۴). برای بدست آوردن ماتریس نرمالیزه شده فرمول‌های (۲) و (۳) استفاده می‌شود.

$$(z)_{h=1, m, u}$$

$$\tilde{h}_{ij} = \frac{\tilde{z}_{ij}}{r} = \frac{l'_{ij}}{r}, \frac{m'_{ij}}{r}, \frac{u'_{ij}}{r} = (l''_{ij}, m''_{ij}, u''_{ij}) \quad (3)$$

$$r = \max_{1 \leq i \leq n} (\sum_{j=1}^n u_{ij}) \quad (4)$$

$$\tilde{z} = \begin{bmatrix} \tilde{z}_{11} & \tilde{z}_{12} & \tilde{z}_{13} & \dots & \tilde{z}_{1n} \\ \tilde{z}_{21} & \tilde{z}_{22} & \tilde{z}_{23} & \dots & \tilde{z}_{2n} \\ \tilde{z}_{31} & \tilde{z}_{32} & \tilde{z}_{33} & \dots & \tilde{z}_{3n} \\ \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots \\ \tilde{z}_{m1} & \tilde{z}_{m2} & \tilde{z}_{m3} & \dots & \tilde{z}_{mn} \end{bmatrix}$$

در گام پنجم، ماتریس \tilde{V} برای هر حد فازی $(l''_{ij}, m''_{ij}, u''_{ij})$ به وسیله فرمول‌های (۵)، (۶) و (۷) محاسبه می‌شود.

$$(5)$$

$$L''_{ij} = \tilde{z}_l \times (I - \tilde{z}_l)^{-1}$$

(۶)

$$m''_{ij} = \tilde{z}_m \times (I - \tilde{z}_m)^{-1}$$

$$(۷) u''_{ij} =$$

$$\tilde{z}_u \times (I - \tilde{z}_u)^{-1}$$

در پایان، هر کدام از حدهای پایین، میان و بالا مثلثی را باهم ترکیب کرده، ماتریس \tilde{V} محاسبه می‌شود.

$$\tilde{V} =$$

(۸)

$$\begin{bmatrix} \tilde{v}_{11} & \tilde{v}_{12} & \tilde{v}_{13} & \dots & \tilde{v}_{1m} \\ \tilde{v}_{21} & \tilde{v}_{22} & \tilde{v}_{23} & \dots & \tilde{v}_{2m} \\ \tilde{v}_{31} & \tilde{v}_{32} & \tilde{v}_{33} & \dots & \tilde{v}_{3m} \\ \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots \\ \tilde{v}_{n1} & \tilde{v}_{n2} & \tilde{v}_{n3} & \dots & \tilde{v}_{nm} \end{bmatrix}$$

در گام ششم، اقدام به غیر فازی کردن اعداد فازی می‌شود. بدین منظور برای هر i و j از فرمول (۹) استفاده می‌شود.

(۹)

$$\frac{(l+4m+u)}{6} v =$$

بنابراین خواهیم داشت:

V

$$= \begin{bmatrix} v_{11} & v_{12} & v_{13} & \dots & v_{1n} \\ v_{21} & v_{22} & v_{23} & \dots & v_{2n} \\ v_{31} & v_{32} & v_{33} & \dots & v_{3n} \\ \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots \\ v_{m1} & v_{m2} & v_{m3} & \dots & v_{mn} \end{bmatrix}$$

هفتمین گام، در این تکنیک محاسبه حد آستانه است. برای حذف کردن معیارهای کم اثر در مدل از حد آستانه است. برای حذف

کردن معیارهای کم اثر در مدل از حد آستانه استفاده می‌شود. در روش دیمتل حد آستانه مشترکی برای تمامی درایه‌ها مشخص می‌شود سپس درایه‌هایی که عدد آن بیشتر از حد آستانه است در ماتریس U وارد شده، به جای درایه‌هایی که عدد آن کمتر از حد آستانه است، عدد صفر قرار می‌دهیم. (در ماتریس U).

(۱۱)

$$= = \frac{\sum_{i=1}^n D_i}{m \times n} T_S = \frac{\sum_{i=1}^n \sum_{j=1}^m V_{ij}}{m \times n}$$

$$\frac{\sum_{j=1}^m R_j}{m \times n}$$

$$sT = 0.10$$

(۱۲)

$$\begin{cases} U_{ij} = V_{ij} & V_{ij} \geq T_S \\ U_{ij} = 0 & \text{else} \end{cases}$$

هشتمین گام، محاسبه iD ، zR و iD که zR و iD به ترتیب از جمع هر سطر و ستون ماتریس \tilde{V} حاصل می‌شود. برای هر

کدام از شاخص‌ها R معادل مقدار اثرگذاری آن شاخص بر سایر شاخص‌ها می‌باشد و برای هر کدام از شاخص‌ها D ، به معنای مقدار تأثیرپذیری آن شاخص از دیگر شاخص‌ها می‌باشد. نحوه قرارگیری شاخص‌ها از لحاظ مقدار R سلسله‌مراتب شاخص‌های تأثیرگذار را

بیان می‌کند و سلسله‌مراتب شاخص‌ها از لحاظ مقدار D ترتیب شاخص‌های تأثیرپذیر را نشان می‌دهد. پس از آنکه iD - jR و jR + iD مورد محاسبه قرار گرفتند، آنگاه نمودار میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری ترسیم می‌شود که در حقیقت پایه و اساس تصمیم‌گیری محسوب می‌گردد. در جدول (۳) مقدار تأثیرپذیری، تأثیرگذاری، تعامل (اهمیت) و تأثیر برای هر کدام از عوامل عامل به نمایش درآمده است. همان‌گونه که از جدول موردنظر استنباط می‌شود، مقدار هر کدام از شاخص‌ها از لحاظ تأثیرگذاری و تأثیرپذیری نمایش داده می‌شود. هر کدام از شاخص‌ها که بیشترین مقدار $D+R$ را داشته باشد، از بیشترین تعامل با سایر شاخص‌ها برخوردار است و هر یک از شاخص‌ها نیز که بیشترین مقدار $D-R$ را داشته باشد، از بیشترین تأثیرگذاری بر سایر شاخص‌ها برخوردار خواهد بود.

جدول ۳: محاسبات (R_j و D_i)

$R \& D$	$D+$ (اهمیت) R	$D-$ (تأثیر) R	تأثیرپذیری D	تأثیرگذاری R
PS ₁	0.452	-0.016	0.218	0.234
PS ₂	0.429	-0.018	0.206	0.224
PS ₃	0.467	0.011	0.239	0.228
PS ₄	0.427	-0.024	0.202	0.226
PS ₅	0.452	-0.026	0.213	0.239
PS ₆	0.455	0.016	0.236	0.219
PS ₇	0.458	-0.022	0.218	0.240
PS ₈	0.442	0.022	0.232	0.210
GC ₁	0.467	-0.002	0.233	0.234
GC ₂	0.438	0.009	0.224	0.214
GC ₃	0.442	0.042	0.242	0.200
GC ₄	0.434	0.000	0.217	0.217
SC ₁	0.437	-0.016	0.211	0.227
SC ₂	0.421	0.018	0.220	0.202
SC ₃	0.533	0.047	0.290	0.243
SC ₄	0.393	0.005	0.199	0.194
SC ₅	0.397	0.019	0.208	0.189
SC ₆	0.438	0.004	0.221	0.217
LI ₁	0.415	0.010	0.212	0.202
LI ₂	0.441	-0.002	0.220	0.221
LI ₃	0.575	-0.150	0.213	0.363
LI ₄	0.433	-0.008	0.212	0.221
LI ₅	0.442	-0.003	0.220	0.223

$$iD = \sum_{j=0}^n \tilde{V}_{ij} \quad (14)$$

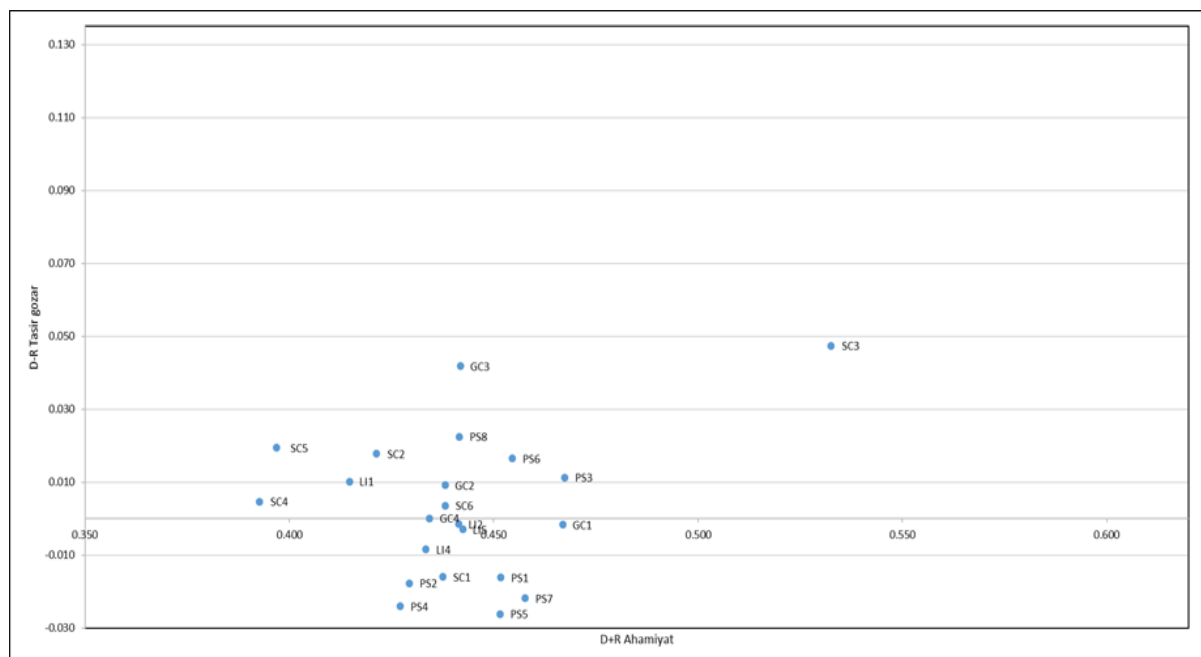
$$R_j = \sum_{i=0}^n \tilde{V}_{ij} \quad (15)$$

همچنین به منظور شناسایی عوامل علی، iD ، jR و $D_i - R_j$ و با استفاده از رابطه‌های ۱۴ و ۱۵ محاسبه می‌شوند که مقادیر آن‌ها در جدول (۴) درج شده است:

جدول ۴: تعیین عوامل علی

نوع عامل	$D_i - R_j$	عامل
معلول	-0.016	PS ₁
معلول	-0.018	PS ₂
علت	0.011	PS ₃
معلول	-0.024	PS ₄
معلول	-0.026	PS ₅
علت	0.016	PS ₆
معلول	-0.022	PS ₇
علت	0.022	PS ₈
معلول	-0.002	GC ₁
علت	0.009	GC ₂
علت	0.042	GC ₃
علت	0.000	GC ₄
معلول	-0.016	SC ₁
علت	0.018	SC ₂
علت	0.047	SC ₃
علت	0.005	SC ₄
علت	0.019	SC ₅
علت	0.004	SC ₆
علت	0.010	LI ₁
معلول	-0.002	LI ₂
معلول	-0.150	LI ₃
معلول	-0.008	LI ₄
معلول	-0.003	LI ₅

در نمودار علی محور X ها شامل $(D_i + R_j)^{def}$ است که مقدار آن همیشه مثبت بوده و وزن یا اهمیت آن عامل در سیستم را نشان می دهد و محور Y ها شامل $(D_i - R_j)^{def}$ بوده که اگر مثبت باشد عامل تأثیر گذار قطعی بوده و در غیر این صورت تأثیرپذیر قطعی است از آن با نام نسبت اثر گذاری در سیستم یاد می شود.



شکل شماره ۲: نتایج به دست آمده

همانطور که در جدول (۴) مشخص است شاخص (قوانین موجود بر نحوه رابطه دولت و مدیریت شهری در شهر کاشان) که بیشترین مقدار $D+R$ را دارا می‌باشد، بیشترین تعامل را با سایر شاخص‌ها دارد و نیز شاخص (روحیه همکاری جویی مدیران شهری و مدیران دولتی) که بیشترین مقدار $D-R$ را برخوردار می‌باشد؛ بیشترین تأثیر (نفوذ) را بر سایر شاخص‌ها دارد. همچنین با توجه به نتایج به دست آمده و قابل مشاهده در جدول ۵ بررسی مولفه‌های تحقیق در ادامه آمده است.

جدول ۵: ماتریس دفازی شده مولفه‌های تحقیق

TD	شاخص سیاسی - امنیتی	شاخص جغرافیایی - ارتباطی	شاخص اجتماعی - فرهنگی	شاخص قانونی
شاخص سیاسی - امنیتی	0.0081	0.0078	0.0083	0.0082
شاخص جغرافیایی - ارتباطی	0.0090	0.0068	0.0073	0.0082
شاخص اجتماعی - فرهنگی	0.0080	0.0082	0.0068	0.0113
شاخص قانونی	0.0081	0.0083	0.0082	0.0074

جدول ۶: محاسبات (R_j و D_i)

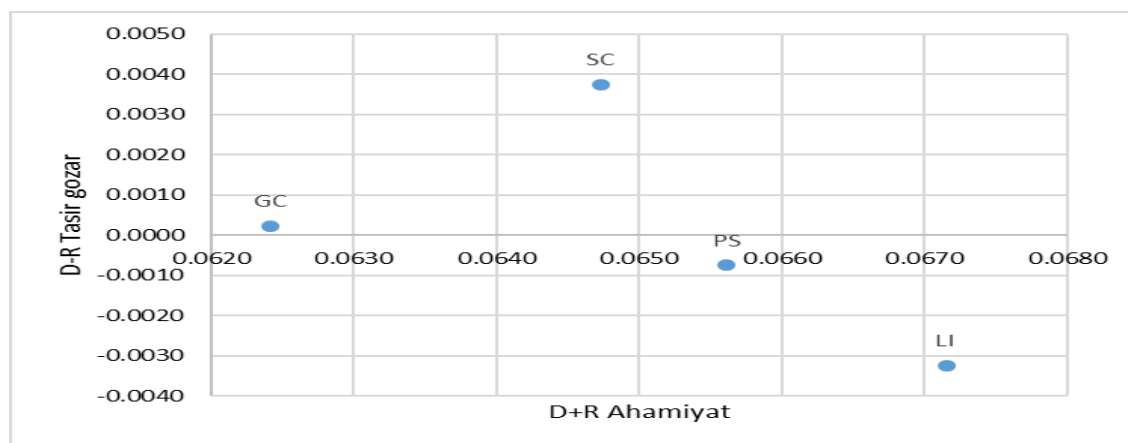
R & D	شاخص سیاسی - امنیتی	شاخص جغرافیایی - ارتباطی	شاخص اجتماعی - فرهنگی	شاخص قانونی
D (اهمیت)	0.0656	0.0624	0.0647	0.0672
+R				
D- (تأثیر)	-0.0007	0.0002	0.0038	-0.0032
R				
تأثیرپذیری	0.0324	0.0313	0.0342	0.0320
D				
تأثیرگذاری	0.0332	0.0311	0.0305	0.0352
R				

همچنان که پیشتر اشاره شد به منظور شناسایی عوامل علی، D_i ، R_j و $D_i - R_j$ و با استفاده از رابطه‌های ۱۴ و ۱۵ محاسبه می‌شوند که مقادیر آن‌ها در جدول (۷) درج شده است:

جدول ۷: تعیین عوامل علی

عامل	شاخص سیاسی - امنیتی	شاخص جغرافیایی - ارتباطی	شاخص اجتماعی - فرهنگی	شاخص قانونی
$D_i - R_j$	-0.0007	0.0002	0.0038	-0.0032
نوع عامل	معلول	علت	علت	معلول

در نمودار علی محور X شامل $(D_i + R_j)^{def}$ است که مقدار آن همیشه مثبت بوده و وزن یا اهمیت آن عامل در سیستم را نشان می‌دهد و محور Y شامل $(D_i - R_j)^{def}$ بوده که اگر مثبت باشد عامل تأثیرگذار قطعی بوده و در غیر این صورت تأثیرپذیر قطعی است از آن با نام نسبت اثر گذاری در سیستم یاد می‌شود.



شکل شماره ۲: نتایج به دست آمده برای ابعاد تحقیق

بحث و تحلیل

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش دیمتال فازی نشان می‌دهد که شاخص سیاسی - امنیتی با میانگین تأثیرگذاری ۰/۰۳۳۲ و تأثیرپذیری ۰/۰۳۲۴ به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه در مدیریت سیاسی فضا در شهر کاشان شناخته شده است. این یافته حاکی از آن است که ملاحظات امنیتی و چارچوب‌های قدرت محلی نقش تعیین‌کننده‌ای در ساماندهی فضای شهری کاشان دارند. شاخص قانونی با میانگین تأثیرگذاری ۰/۰۳۵۲ بالاترین میزان تأثیرگذاری را در بین شاخص‌ها داراست که نشان‌دهنده اهمیت ساختارهای حقوقی و قانونی در مدیریت فضای سیاسی شهر است. شاخص اجتماعی - فرهنگی با مقدار D-R مثبت (۰/۰۳۸) به‌عنوان یک عامل علی شناسایی شده که بیانگر نقش فعال مؤلفه‌های فرهنگی و مشارکت‌های مدنی در شکل‌دهی به فضای سیاسی شهر می‌باشد. شاخص جغرافیایی - ارتباطی نیز با مقدار D-R مثبت (۰/۰۰۲) در زمره عوامل علی قرار گرفته که بر اهمیت موقعیت مکانی و ارتباطات درون‌شهری در مدیریت سیاسی فضا تأکید دارد. بررسی زیرشاخص‌های مؤلفه سیاسی - امنیتی نشان می‌دهد که «رقابت جناح‌های سیاسی در انتخاب مجموعه مدیریت شهری» (PS4) با مقدار D-R منفی (۰/۰۲۴-) به‌عنوان یک عامل معلول شناسایی شده که حاکی از تأثیرپذیری این متغیر از سایر عوامل سیستم است. در مقابل، «وجود نهادهای سیاسی» (PS6) با مقدار D-R مثبت (۰/۰۱۶) به‌عنوان یک عامل علی عمل می‌کند. در شاخص اجتماعی - فرهنگی، «روحیه همکاری‌جویی مدیران شهری و مدیران دولتی» (SC3) با بیشترین مقدار D+R (۰/۵۳۳) و D-R مثبت (۰/۰۴۷) به‌عنوان تأثیرگذارترین زیرشاخص شناسایی شده است. این یافته نشان می‌دهد که همکاری بین نهادهای مدیریتی می‌تواند به‌عنوان یک عامل کلیدی در بهبود مدیریت سیاسی فضا عمل کند. در شاخص قانونی، «قوانین موجود در ارتباط با تقسیمات کشوری» (LI2) با مقدار D-R منفی (۰/۰۰۲-) به‌عنوان یک عامل معلول شناسایی شده که بیانگر تأثیرپذیری این متغیر از سایر عوامل سیستم است. نقشه علیت حاصل از تحلیل دیمتال فازی نیز نشان می‌دهد که شاخص اجتماعی - فرهنگی در ربع علی قرار گرفته که بیانگر نقش فعال این شاخص در تأثیرگذاری بر سایر مؤلفه‌های سیستم است. شاخص سیاسی - امنیتی و شاخص قانونی در ربع معلول قرار دارند که نشان‌دهنده ماهیت تأثیرپذیر این شاخص‌ها از سایر عوامل سیستم می‌باشد. شاخص جغرافیایی - ارتباطی در مرز بین ربع علی و معلول قرار گرفته که حاکی از نقش دوگانه این شاخص هم به‌عنوان عامل تأثیرگذار و هم تأثیرپذیر در سیستم مدیریت سیاسی فضا است. مقدار آستانه محاسبه شده (۰/۰۱۰) نشان می‌دهد که کلیه روابط بین شاخص‌ها از اهمیت کافی برخوردار بوده و در مدل نهایی حفظ شده‌اند. این یافته‌ها به‌طور کلی نشان می‌دهد که مدیریت سیاسی فضا در شهر کاشان یک سیستم پیچیده با روابط چندسطحی است که در آن شاخص اجتماعی - فرهنگی به‌عنوان عامل محرک و شاخص‌های سیاسی - امنیتی و قانونی به‌عنوان عوامل تنظیم‌کننده عمل می‌کنند.

نتیجه‌گیری

در نظام شهری می‌توان مدیریت سیاسی فضا را برآیند کیفیت و کمیت کشمکش و تعامل میان چهار عامل دولت، اقتصاد، نهادهای سیاسی و سازمان‌های مدنی پنداشت. از طرفی در ایران تمرکزگرایی قدرت امکانی برای تقسیم، محدودیت و پاسخگویی قدرت فراهم نساخته است. قدرت سیاسی با بهره‌گیری از ابزارهای قدرتمند اقتصادی و سیاسی خود در عرصه شهری نیز یک عنصر تعیین‌کننده مدیریت سیاسی - فضایی شهری و منطقه‌ای به‌شمار می‌رود که به هدایت و تنظیم اقدامات کنشگران بخش‌های مختلف خصوصی، عمومی و مردمی می‌پردازد. در حقیقت می‌توان گفت نهاد قدرت است که اصول و قواعد ملاک عمل ساختار حکمرانی در عرصه هدایت و کنترل سازمان فضایی را مشخص می‌سازد. هر کدام از عناصر دولتی، خصوصی و عمومی در جریان این تعامل در جستجوی بیشینه‌سازی بهره‌مندی خود از فضا می‌باشند که این نوع فرایند سهم‌خواهی می‌تواند به شکل‌گیری فضاهای ناپایدار و رشد نامتوازن مناطق شهری و کلانشهری منجر گردد. بنابراین در جغرافیای سیاسی و مدیریت سیاسی فضا، تعامل و رابطه بین نهادهای سیاسی و اجتماعی و سازمان فضایی - اداری موضوعی مهم و بنیادی محسوب می‌گردد. موضوعی که با افزایش پیچیدگی هر دو طرف این رابطه، ابعاد کمی و کیفی بیشتر و ژرف‌تری پیدا می‌کند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد عامل قانونی که از بیشترین مقدار D+R برخوردار است، بیشترین مقدار تعامل را با سایر ابعاد به نمایش در آورده است و عامل اجتماعی - فرهنگی نیز که بیشترین مقدار D-R را نشان

می‌دهد بیشترین مقدار تأثیرگذاری (نفوذ) را بر سایر ابعاد بیان می‌کند. همچنین شاخص (تأثیر قوانین موجود بر نحوه رابطه دولت و مدیریت شهری در شهر کاشان) که از بیشترین میزان $D+R$ برخوردار است، بیشترین تعامل را با سایر شاخص‌ها نشان می‌دهد و شاخص روحیه همکاری جویی مدیران دولتی و مدیران شهری نیز که از بیشترین مقدار $D-R$ برخوردار است، بیشترین تأثیر (نفوذ) را بر سایر شاخص‌ها نشان می‌دهد. بر اساس یافته‌های پژوهش، این‌طور استنباط می‌شود که شاخص‌های اثرگذار بر مدیریت سیاسی فضا در شهر کاشان ارتباط تنگاتنگی با هم دارند و در زمینه بهبود مدیریت سیاسی فضا، ایجاد تغییرات سازنده در هر کدام از این شاخص‌ها می‌تواند تغییرات جدی‌تر و اثرگذارتری را در شهر کاشان پدید آورد. این نتیجه با نتایج مطالعات خاتم و احمدی‌پور (۱۴۰۲) کاوندی‌کاتب و حافظ‌نیا (۱۴۰۰)، قادری‌حاجت (۱۴۰۰)، قائدرحمتی و مرشدی (۱۳۹۵) هم‌سوئی و هم‌خوانی دارد.

منابع و مأخذ

- احمدی‌پور، زهرا و میرزایی‌تبار، میثم (۱۳۸۹) نقش احساس مکانی در سازماندهی سیاسی فضا، *فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط*، شماره ۱۲.
- افضلی، رسول، کامران، حسن، عابدی‌شجاع، فرزاد (۱۴۰۰) تحلیل گفتمان مدیریت سیاسی فضا در کشور کوبا پس از انقلاب ۱۹۵۹، *فصلنامه جغرافیا*، دوره ۱۹، شماره ۶۹، تابستان. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.27172996.1400.1969.1.9>
- بهادری، فائزه، یزدانی، محمدحسن، محمدی، علیرضا، رحمتی، منصور (۱۴۰۵) مطالعه تطبیقی مناطق کلانشهر تبریز بر مبنای مؤلفه‌های مبلمان شهری، *فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای*، دوره ۷، شماره ۱. https://www.srds.ir/article_220199.html?lang=fa
- پوراحمد، احمد، حاتمی‌نژاد، حسین، زیاری، کرامت‌الله، فرجی‌سیکبار، حسنعلی، وفایی، ابودر (۱۳۹۵) تحلیل الگوی توسعه کالبدی - فضایی شهری از منظر توسعه پایدار، *فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق خشک*، پیاپی ۲۶، زمستان.
- جان‌پرور، محسن، قربانی‌سپهر، آرش (۱۴۰۰) تبیین فلسفی - مفهومی ژئوپلیتیک شهری، *فصلنامه جغرافیا*، سال نوزدهم، شماره ۶۸، بهار. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.27172996.1400.19.1.10.2>
- حسین‌زاده دلیر، کریم (۱۳۸۰) *برنامه‌ریزی ناحیه‌ای*، تهران، انتشارات سمت.
- حیدری‌سورشجانی، رسول (۱۳۹۶) پهنه‌بندی فضایی امنیت با تأکید بر کاربری اراضی شهری، *پژوهش‌های جغرافیایی انتظامی*، پیاپی ۱۹، پاییز.
- خاتم، سعید، احمدی‌پور، زهرا (۱۴۰۲) متغیرهای اثرگذار مدیریت سیاسی فضا در کلانشهر تهران، *فصلنامه جغرافیا*، پیاپی ۷۷، تابستان. <https://dor.isc.ac/dor/http://dor.net/dor/20.1001.1.27833739.1402.21.77.4.7>
- رفعیان، مجتبی، و مجتهدی، سید محمد (۱۴۰۱). *چالش‌های مدیریت یکپارچه شهری در ایران: رویکردی نهادی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شیخی، محمد، شبستر، محسن (۱۳۹۷) آسیب‌شناسی مدیریت یکپارچه حریم کلانشهر تهران، *فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای*، سال سوم، شماره ۴، بهار. <https://doi.org/10.22054/urdp.2019.42544.1128>
- عزت‌پناه، بختیار (۱۳۹۷) بررسی تطبیقی توزیع فضایی خدمات عمومی شهری از منظر عدالت اجتماعی، *نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس*، پیاپی ۳۵، بهار.
- قادری‌حاجت، مصطفی (۱۴۰۰) تبیین نقش عدالت فضایی/جغرافیایی در ارزیابی مدیریت سیاسی بهینه فضا، *نشریه امنیت ملی*، پیاپی ۴۰، تابستان. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.33292538.1400.11.40.15.1>
- قائدرحمتی، صفدر، مرشدی، حسن (۱۳۹۵) تحلیل مدیریت سیاسی فضا در شهرهای جدید ایران و ارائه برنامه‌های راهبردی، *پژوهش‌های جغرافیایی سیاسی*، پیاپی ۴، زمستان. <https://doi.org/10.22067/pg.v1i4.61501>

کاوندی کاتب، ابوالفضل، حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۴۰۰) بررسی عوامل مؤثر بر سازمان و مدیریت سیاسی فضا در کشورهای جهان، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، سال هفدهم، شماره ۲، پیاپی ۶۲، تابستان.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17354331.1400.17.62.2.5>

لاله‌پور، منیژه، سرور، هوشنگ (۱۳۹۳) بررسی نقش نظام مدیریت و برنامه‌ریزی در سازمان‌دهی فضایی جمعیت و فعالیت در منطقه کلانشهری تهران، جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، شماره ۱۱، تابستان.

<https://doi.org/10.22111/gaij.2014.1545>

محمدی، محمود (۱۳۷۹) تحلیل نقش متقابل وقف و شهرسازی برنامه‌ریزی کالبدی راهبردی جدید در توسعه و بهره‌وری بهینه موقوفات، نشریه فقه و اصول، وقف میراث جاویدان، شماره ۳۰.

میثاقی، سیدمحمود، روحانی قادیکلایی، محسن (۱۳۹۳) اصول سازماندهی فضایی بافت‌های شهری برخوردار از عناصر شاخص مذهبی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره پانزدهم، بهار.

وفایی و حیدری سورشجانی (۱۴۰۰) تبیین پایداری نظام فضایی شهری با تدوین، تعیین و اولویت‌بندی استراتژی‌های توسعه شهری، نشریه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، پیاپی ۴۴، تابستان.

<https://dorl.net/dor/20.1001.1.2228639.1400.11.44.4.3>

یزدانی، محمدحسن، معصومی، دلاور (۱۴۰۵) تحلیل وضعیت حکمروایی خوب شهری (مطالعه موردی: شهر اردبیل)، فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای، دوره ۷، شماره ۱، https://www.srds.ir/article_219544.html?lang=fa.

Afzali, R., Kamran, H., & Abedi Shuja, F. (2021). Discourse analysis of political space management in Cuba after the 1959 revolution. *Geography Quarterly*, 19(69). [In Persian] <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.27172996.1400.1969.1.9>

Agnew, J.A., & Muscara, L. (2012). *Making political geography*. Second Edition, New York,

Ahmadipour, Z., & Mirzaeitabar, M. (2010). The role of sense of place in the political organization of space. *Quarterly Journal of Geographical Environmental Planning*, 12. [In Persian]

Albrechts, L. (2020). *Planning theory: Conceptual challenges for spatial strategies*. Routledge.

Bahadori, F., Yazdani, M. H., Mohammadi, A., & Rahmati, M. (2026). A comparative study of Tabriz metropolitan areas based on urban furniture components. *Quarterly Journal of Urban and Regional Sustainable Development Studies*, 7(1). https://www.srds.ir/article_220199.html?lang=fa

Barkhordari, A. (2020). Systematization and the Model of Political Management in Contemporary Iranian Thinker's Idea, *Journal of Social Science Studies*, ISSN 2329-9150 2020, Vol. 7, No. 2.

Eyozlu, D. Varzavian, M. (2019). Assessing the status of urban management in metropolises based on the indicators of good urban governance, *geography and development*, No. 52.

Ezzatpanah, B. (2018). A comparative study of the spatial distribution of urban public services from the perspective of social justice. *Journal of Geography and Urban Planning of Zagros Landscape*, 35, Spring. [In Persian]

Forster, J. (2013). On the theory and practice of critical pragmatism: Deliberative practice and creative negotiations", *Planning Theory* 12(1/2), 5-22

Ghaderi Hajat, M. (2021). Explaining the role of spatial/geographical justice in evaluating optimal political space management. *National Security Journal*, 40. [In Persian] <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.33292538.1400.11.40.15.1>

Ghaed Rahmati, S., & Morshedi, H. (2016). Analysis of political space management in Iran's new cities and the presentation of strategic programs. *Political Geography Research*, 4. [In Persian] <https://doi.org/10.22067/pg.v1i4.61501>

- Glaeser, E. (2011). *Triumph of the City: How our Greatest Invention makes us Richer, Smarter, Greener, Healthier, and Happier*. Penguin Press, New York.
- Gong J., (2018). "RISE: a database of RNA interactome from sequencing experiments. *Nucleic Acids Res*", *Planning Theory*, 46(1/2),194-201
- Harvey D. (1985). *The Urbanization of Capital: Studies in the History and Theory of Capitalist Urbanization*, Johns Hopkins University, Baltimore.
- Heidari Sureshjani, R. (2017). Spatial zoning of security with emphasis on urban land use. *Journal of Geographical Security Research*, 19, Autumn. [In Persian]
- Hosseinzadeh Dalir, K. (2001). *Regional planning*. Samt Publications. [In Persian]
- Janparvar, M., & Ghorbani Sepehr, A. (2021). Philosophical-conceptual explanation of urban geopolitics. *Geography Quarterly*, 19(68). [In Persian] <https://doi.org/10.22054/urdp.2019.42544.1128>
- Kavandi Kateb, A., & Hafeznia, M. R. (2021). Investigating factors affecting the organization and political management of space in world countries. *International Quarterly of Geopolitics*, 17(2). [In Persian] <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17354331.1400.17.62.2.5>
- Khatam, S., & Ahmadi Pour, Z. (2023). Influential variables in political space management in metropolitan Tehran. *Geography Quarterly*, 77, Summer. [In Persian]. <https://dor.isc.ac/dor/http://dor.net/dor/20.1001.1.27833739.1402.21.77.4.7>
- Lalepour, M., & Sarvar, H. (2014). The role of management and planning systems in the spatial organization of population and activity in the Tehran metropolitan region. *Geography and Urban-Regional Planning*, 11. [In Persian] <https://doi.org/10.22111/gaij.2014.1545>
- Liu, Y., Zhang, F., & Wu, F. (2021). The interplay of politics and space in urban governance: A comparative analysis. *Environment and Planning A*, 53(2), 315-333.
- Meysaghi, S. M., & Rouhani Ghadi Kolaei, M. (2014). Principles of spatial organization of urban fabrics with prominent religious elements. *Quarterly Journal of Iranian-Islamic City Studies*, 15. [In Persian]
- Mithaqi, S. M., & Ruhani Ghadikolaei, M. (2014). Principles of spatial organization of urban textures with prominent religious elements. *Journal of Iranian-Islamic City Studies*, 15, Spring. [In Persian]
- Mohammadi, M. (2000). Analysis of the interaction of endowments and urban planning: A new strategic physical planning approach in the development and optimal utilization of endowments. *Journal of Jurisprudence and Principles, Endowment of Eternal Heritage*, 30. [In Persian]
- Pourahmad, A., Hataminejad, H., Ziari, K., Faraji Sabkbar, H. A., & Vafaei, A. (2016). Analysis of urban physical-spatial development patterns from the perspective of sustainable development. *Quarterly Journal of Geographical Studies of Arid Regions*, 26. [In Persian]
- Rafieian, M., & Mojtahedi, S. M. (2022). *Challenges of integrated urban management in Iran: An institutional approach*. University of Tehran Press. [In Persian]
- Raven, R., Sengers, F., Spaeth, P., Xie, L., Cheshmehzangi, A., & de Jong, M. (2019). Urban experimentation and institutional arrangements. *European Planning Studies*, 27(2), 258-281. Rowman & Littlefield Publishers.
- Sheikhi, M., & Shabestar, M. (2018). Pathology of integrated management of Tehran metropolitan boundaries. *Quarterly Journal of Urban and Regional Development Planning*, 3(4). [In Persian] <https://doi.org/10.22054/urdp.2019.42544.1128>
- Short, j. (2013). *An Introduction to Political Geography*. London; Routledge.
- Skocpol, T. (2014). *State and Social Revolution*, Cambridge: Cambridge University Press.

- Soja, E.W. (1974). *A paradigm for the geographical analysis of political systems*. In K.R. Cox, D.R. Reynolds & S.
- Stephens, D; Satterthwaite S. (2008). Urban health in developing countries, *Environmental Impact Assessment, Review*, 20 PP: 299- 310.
- Vafaei & Heidari Sureshjani. (2021). Explaining the sustainability of the urban spatial system by formulating, determining, and prioritizing urban development strategies. *Journal of Iranian-Islamic City Studies*, 44. [In Persian] <https://dorl.net/dor/20.1001.1.2228639.1400.11.44.4.3>
- Van Assche, K., Beunen, R., & Duineveld, M. (2021). *Evolutionary governance theory: An introduction*. Springer.
- Wood, C. (2006). Scope and Patterns of Metropolitan Governance in Urban America', *American Review of Public Administration*, Vol. 36, No. 3, pp 337-353.
- Yazdani, M. H., & Masoumi, D. (2026). Analysis of urban good governance status (Case study: Ardabil city). *Quarterly Journal of Urban and Regional Sustainable Development Studies*, 7(1). https://www.srds.ir/article_219544.html?lang=fa
- Zhang, Y., Li, X., & Wang, R. (2023). Urban spatial politics and governance in the digital age. *Progress in Planning*, 154, 100543.